

آیا در تعرض جنسی، زنان هم مقصرند؟

● در افغانستان هر سال به طور اوسط بیش از پنج هزار قضیه خشونت علیه زنان گزارش می‌شود که بخشی از این قضایا را خشونت‌های جنسی تشکیل می‌دهد. اما خشونت‌های جنسی که به شکل تعرض جنسی شامل آزار جنسی و تجاوز اعمال می‌شود، کم‌تر افشا می‌شود. در حالی که هرگونه آزار جنسی شامل لمس یا تماس بدون رضایت، هر نوع ابراز نظر با معنای جنسی، درخواست رابطه جنسی، چشم‌چرانی و خیره نگاه کردن، نمایش چیزهای بی‌ادبانه و توهین‌آمیز در برابر فرد یا جمع، نمایش حرکات یا رفتارهای بدنی حاوی مضامین جنسی، شوخی‌های جنسی، سوال کردن درباره زندگی جنسی فرد، توهین با الفاظ جنسی، ارتکاب به رفتار مجرمانه؛ مثل تماس تلفنی بی‌دلیل، نمایش دادن بدن و اندام جنسی و تجاوز جنسی از جمله مواردی است که تعرض جنسی محسوب می‌شود و ارتکاب آن پیگرد قانونی دارد. دلیل اینکه زنان در افغانستان کمتر جرأت می‌کنند قضایای تعرض جنسی را گزارش دهند یا در مقابل آن بایستند، این است که جامعه قربانی را مقصر می‌داند.

مقصر پنداشتن قربانی، یک امر نهادینه شده است. در افغانستان به طور سیستماتیک به زنان القا شده که علیه هرگونه تعرض جنسی لب به شکایت نگشایند و گرنه آبرو، حیثیت، امنیت جانی و روانی و اعتبار اجتماعی خود و خانواده‌اش به خطر می‌افتد. اما این رویه سلسله‌ای تعرض‌های جنسی را طویل‌تر و پایدارتر می‌سازد. سکوت در برابر تعرض جنسی زمینه‌ساز گسترش و تبدیل شدن این رویه به یک فرهنگ ناپسند و سراسری خواهد شد که بالاخره خانه، محل کار، بازار و خیابان‌ها، همه جا را برای زنان ناامن می‌سازد.

بهبتر است برای انقطاع در این روند علیه هرگونه آزار جنسی اعتراض و قضایای تجاوز جنسی افشا شود. دسترسی قربانی به عدالت از پیامدهای احتمالی است، اما کاهش قضایای تعرض جنسی و از بین رفتن حاشیه امن متعرضان نتیجه حتمی ایستادگی علیه کسانی است که اقدام به آزار و تجاوز جنسی می‌کنند.

مقصر پنداشتن قربانی ریشه در فرهنگ زن‌ستیزانه دارد. خشونت‌های جنسی در هر جا و هر زمانی ممکن است رخ دهد. اگرچه باورهایی وجود دارد که می‌گویند خود زنان با نوع برخورد و رفتارشان با مردان برای متعرض فضا را فراهم می‌کنند؛ اما تعرض جنسی به هر شکلی که بروز کند یک عمل از قبل کارگردانی شده است که با اراده شخص متعرض انجام می‌شود.



● سال چهارم ● شماره ۱۳۱ ● شنبه ۹ حوت ۱۳۹۹

Bazminah



طویانه‌های سنگین؛

حفظ ارزش عروس یا دختر فروشی

«نگاه کالایی و ابزاری به زن، دلیل اصلی گرفتن طویانه است. جملات قصار در مورد دختران دم‌بخت تاییدکننده چنین نگاهی است، اینکه گفته می‌شود «دختر، آدم مردم است»»

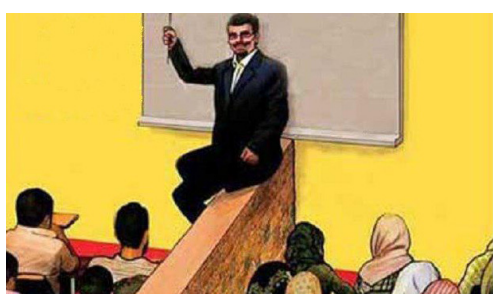
کارزار «سکوت را بشکنیم»

«مامایم کودکی و جوانیم را از من گرفت»

● زندگی من از روزی تیره و تار شد که مادرم یک روز با خوشحالی به ما گفت که برادرم فردا با زن و فرزندانش به کابل می‌آید. آنوقت کودکی ۱۲ ساله بودم، شنیده بودم که مامایم پنج دختر دارد و فکر می‌کردم که همبازی‌های خوبی پیدا می‌کنم...

زندگی خصوصی و عمومی معماری تفکیک جنسیتی

● پدیده‌ی خانواده و بالطبع آن زندگی خصوصی و عمومی امر ازلی و ابدی نبوده و در طول تاریخ بر اثر رشد نیروهای مولد جامعه و آگاهی مردان از نقش‌شان...



بزودی عادت ماهیانه می‌شوم و...

خاطرات یک دختر جوان

● کیتی عزیزم دستم هنوز می‌لرزد با آنکه دو ساعت از لحظه‌ای که ما وحشت کردیم، می‌گذرد. باید بدانی که ما در خانه پنج دستگاه آتش‌نشانی... دهنده.

عفونت‌های آلت تناسلی؛ قاتل خاموش زنان

شوند. گذاشتن IUD یا دستگاه جلوگیری از بارداری، در صورتی که عفونت قبل از کارگذاری آن وجود داشته باشد و یا هنگام کارگذاری اصول بهداشتی رعایت نشود نیز ممکن است باعث التهاب و عفونت لگنی شود که عفونت رحم را در پی دارد.

خانم محمدی تأکید می‌کند که در صورت بروز عفولایم این بیماری، باید زنان زودتر به داکتر مراجعه کنند.

تأخیر در درمان این بیماری، عوارض جسمی و مشکلات شدیدتری از جمله عفونت رحم و لوله‌های رحم، نازایی، سرطان‌های دستگاه تناسلی، درد شدید و در نهایت زخم رحم می‌شود که در صورت تشدید باید مریض جراحی و رحمش برداشته شود.

پزشکان راه‌های جلوگیری از ابتلا به این بیماری را چنین توصیه می‌کنند: داشتن رابطه جنسی ایمن و کنترل شده، رعایت بهداشت در هنگام رابطه جنسی، خودداری از سکس با کسی که شریک جنسی دیگری دارد و استفاده کمتر از اسپری‌های آب یا ضدعفونی در آلت تناسلی (واژن را با فشار آب زیاد شست‌وشو ندهید

چون تعادل باکتری‌ها در واژن را برهم می‌زند)، استفاده از کاندوم در حین برقراری رابطه جنسی و اطمینان از این‌که شریک رابطه جنسی اصول بهداشتی را رعایت کرده و عفونت در آلت تناسلی ندارد؛ برای این کار در صورت امکان هرازگاهی هردوجانب باید به داکتر مراجعه کرده و آزمایش دهند.

داخل رحم می‌شود و گسترش می‌یابد. علائم آن سوزاک، عفونت، تب، قاعدگی نامنظم و درد در قسمت پایین شکم می‌باشد.

خانم محمدی می‌گوید زنانی که با این‌علاویم مراجعه می‌کنند این بیماران باید معاینات سونوگرافی و لاپاراسکوپی را سپری کنند و بعد از تشخیص درست آن برای مریضان آنتی‌بیوتیک توصیه می‌کنیم.

بیشتر مبتلایان این‌گونه بیماری، کسانی هستند که سکس بیشتری دارند. عفونت رحم بیشتر به دلایل عدم رعایت بهداشت جنسی به ویژه هنگام مقاربت‌های جنسی پیدا می‌شود. اینکه شریک جنسی زنان با افراد دیگری روابط جنسی داشته باشد احتمال بیشتر وجود دارد که زنان به عفونت رحم مبتلا

● بسیار شنیده‌اید که سرطان پستان مهم‌ترین عامل مرگ و میر زنان در افغانستان است. درباره این بیماری تا حدودی اطلاع‌رسانی شده است. اما درباره عفونت‌های لگنی که بخش عمده این عفونت‌ها مربوط به دستگاه تناسلی زنان است، کمتر سخن گفته شده؛ عفونت‌هایی که به گفته بسیاری از پزشکان زنان علت عمده مراجعه زنان به متخصصان نسائی و ولادی است.

مستوره محمدی، متخصص بخش زنان و زایمان است. او در یکی از شفاخانه‌های خصوصی در شهر کابل کار می‌کند و در گفت‌وگو با نیم‌رخ در مورد عفونت‌های آلت تناسلی زنان گفته است.

به گفته‌ی داکتر مستوره محمدی، زنان در افغانستان معمولاً به مریضی‌های چون کیست تخمدان،

استرس، سرطان سینه یا Breast cancer،

سرطان رحم، تومورهای رحم، میرگی،

فشارهای روانی، عفونت‌های رحم،

سقط‌ها و PID عفونت مثانه یا

عمق رحم مبتلا می‌شوند که با

علاویم خفیف شروع می‌شود.

یعنی وقتی زنی مبتلا به بیماری

می‌شود، فکر می‌کند مشکلی

نیست و صحت‌مند خواهد شد اما

همین بی‌توجهی باعث مریضی‌های

پیشرفته‌تر شده و مشکل‌های جدی را

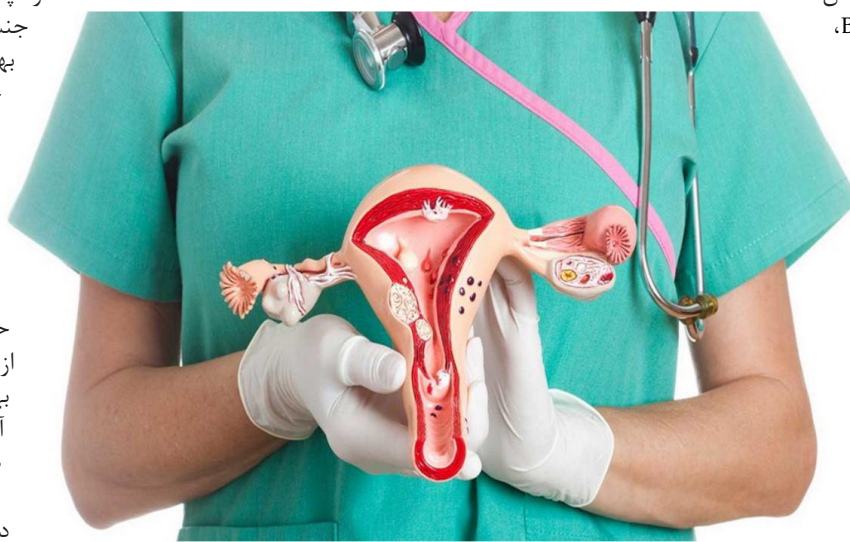
به وجود می‌آورد.

بیماری عفونت‌های لگنی مشکل

بیشتر زنانی است که به داکتران زنان

و زایمان مراجعه می‌کنند. علت اصلی

آن باکتری‌هایی است که از طریق مهبل





زمانی مشکل زنان در زندگی مشترک حل می‌شود که نگاه کالامحوری به زن، چه در خانواده دختر و چه در خانواده پسر از بین برود، باید از طریق نهادهای فرهنگی برای فرهنگسازی و تغییر نگاه تلاش شود.



طویانه‌های سنگین؛

حفظ ارزش عروس یا دختر فروشی

کهریزم شاهی

عاقله و احمد عاشق هم بودند، همه چیز خوب بود تا اینکه احمد تصمیم گرفت با خانواده‌اش به خواستگاری عاقله بیاید و پدر عاقله از احمد خواست تا هفتصد هزار افغانی پول نقد به عنوان طویانه بپردازد. احمد که تازه تحصیلاتش را در رشته ادبیات در دانشگاه کابل تمام کرده بود و از طرفی نمی‌خواست عاقله را رها کند علی‌رغم مخالفت خانواده پذیرفت که هفت لگ افغانی به پدر عاقله بدهد، در حالیکه چنین پولی را در بساط نداشت. کم کم ناراحتی‌ها بیشتر شد گاه و بی‌گاه به بهانه‌های مختلف عاطفه و احمد دعوا می‌کردند. عاقله احساس می‌کرد که دیگر صمیمیت و عشق گذشته‌شان کمرنگ می‌شود و هر چه به سمت

عروسی نزدیکتر می‌شوند، رابطه‌شان رو به سردی می‌رود. این پایان داستان عاقله نیست، بسیاری از دختران مثل عاقله بخاطر گرفتن طویانه‌های سنگین از طرف پدرانشان دچار مشکلات می‌شوند. این یک سوی سکه است طرف دیگر سکه، قرارهای ازدواج پدرانی هستند که به حداقل مبالغ طویانه یا نگرفتن طویانه بسنده می‌کنند.

• «توبی‌ارزشی»

زمینه دو سال پیش با شوهرش که کارمند بست ۴ یک وزارت و از خوششان دور وی بود، پیمان زناشویی بست. پدرش گفت که نمی‌خواهد طویانه سنگین بگیرد بخاطر اینکه خانواده داماد با زمینه همچون

یک انسان فروخته شده رفتار نکنند و برای زمینه حق و حقوق انسانی قائل باشند اما خانواده شوهر زمینه گوششان به این حرفها بدهکار نبود. هر بار ناراحتی و اختلافی بین او و خانواده همسرش پیش می‌آمد، به او می‌گفتند که تو در خانه پدرت هم بی‌ارزش بودی اگر تو قدر و قیمت داشتی که پدرت تو را مجانی به ما نمی‌داد. حیف بچه ما که زنی مثل تو گرفت. زمینه بارها با چشمی گریان به سوی خانه پدری رفت و پیش پدرش شکوه کرد از اینکه کاش طویانه بیشتر می‌گرفتی که این‌گونه زخم زبان خانواده و قوم شوهرم را نمی‌شنیدم. اخیراً عالمان دینی در ولایت بامیان اعلام کرده اند که گرفتن طویانه چه کم باشد یا زیاد، حرام است و از مردم خواستند تا از برگزاری مراسم‌های با تجملات زیاد خودداری کنند.

• طلاق بخاطر طویانه سنگین

مدرس موسوی، مدیر دانشگاه و وکیل مدافع به نیم‌رخ می‌گوید: «خلاف آنچه برخی تصور می‌کنند که طویانه‌های سنگین باعث استحکام زندگی و افزایش قدر و قیمت دختران می‌شود، دلیل برخی از طلاق‌ها بخاطر طویانه‌های سنگین بوده است.»

بگفته وی، بسیاری از خانواده‌ها در شرایط اقتصادی خیلی خوب نیستند و همین باعث می‌شود که دامادها برای پرداخت طویانه هنگفت به گرفتن قرض روی آورند، بعد از ازدواج، وقتی طلبکارها به خانواده داماد فشار می‌آورد، این باعث ناراحتی و مشاجرات بسیاری می‌شود و در نهایت کار به طلاق می‌کشد.

وی درباره دلیل گرفتن طویانه‌های سنگین می‌گوید: «برخی از پدران به دنبال تقویت پرستیژی اجتماعی و نگهداری ارزش دخترشان در پیش خانواده داماد هستند اما در نگاهی کلاستر باید گفت که همین طویانه‌ها باعث فقر بیشتر جوانان و بالا رفتن سن ازدواج می‌شود، به عبارتی دوره تجرد برای جوانان، طولانی می‌شود و زمینه افزایش جرایم اخلاقی را در جامعه بوجود می‌آورد، در چنین شرایطی پدرانی که بدنبال تشریفات بیشتر و طویانه‌های سنگین‌تر هستند، مقصر غیرمستقیم افزایش جرایم اخلاقی هستند.»

• نگاه ابزاری به دختران

وحیده الهام، جامعه‌شناس در اینبار به نیم‌رخ می‌گوید: «زنان قربانی یک نگاه مردسالارانه به قرارداد ازدواج هستند، به این معنی که زن در جایگاه کالایی است که از طرف مردی بعنوان پدر به مردی بعنوان شوهر در ازای مبلغی مبادله می‌شود. در این شرایط زن هیچگونه قدرت تصمیم‌گیری برای تاثیرگذاری بر فرایند طویانه گرفتن ندارد؛ چون یک معامله مردانه تلقی می‌شود.»

به گفته وی، در بیشتر مواقع استدلال دختر بر این است که تعیین مبلغ طویانه حق پدرش است و او نمی‌تواند تاثیرگذاری داشته باشد و پدرش به نفع او، مبلغ طویانه را تعیین می‌کند. منظور از نفع دختر این نیست که این مبلغ به دختر داده می‌شود بلکه مبلغ طویانه ارزش دختر را برای خانواده شوهر مشخص می‌کند.

الهام می‌گوید: «دلیل اصلی این برخورد به نگاه کالایی و ابزاری به زنان برمی‌گردد، در عین حال جملات قصاری که در بین مردم گفته می‌شود در مورد زنان و دختران دم بخت هم تأییدکننده چنین نگاهی است، اینکه گفته می‌شود «دختر، آدم مردم است» تفسیر چنین سخنی این است که دختر، یک مالک موقت و یک مالک دائمی دارد. مالک موقت یعنی پدر که مسئول بزرگ کردن دختر و تأمین مایحتاجش بوده است، در دوره جوانی دختر، باید او را به مالک دائمی (شوهر) تحویل دهد، اگر مالک موقت، بهایی از مالک دائمی نگیرد، بخاطر مصارفی که تا جوانی دختر بر دوش داشته است، ضرر می‌کند. در واقع طویانه همان بهایی است که مالک موقت از مالک دائمی می‌ستاند.» وی ادامه می‌دهد: «در چنین وضعیتی، چه طویانه مبلغی هنگفت یا کم در نظر گرفته شود، باز هم مشکلی از زندگی اجتماعی زنان را حل نمی‌کند. چون اگر مبلغ طویانه، سنگین باشد خانواده شوهر به خودشان این حق را می‌دهند که مانند یک جنس خریده شده با عروسشان برخورد کنند و اگر هم مبلغ ناچیزی برای طویانه گرفته شود یا حتی طویانه گرفته نشود؛ باز هم نگاه تحقیرآمیز خانواده شوهر به زن وجود دارد.»

زمانی مشکل زنان در زندگی مشترک حل می‌شود که نگاه ابزار و کالامحوری به زن، چه در خانواده دختر و چه در خانواده پسر از بین برود، باید از طریق نهادهای فرهنگی برای فرهنگسازی و تغییر نگاه تلاش شود.»

کهریزم شاهی از مخاطبان نیم‌رخ

کارزار سکوت را بشکنیم

«مامایم کودکی و جوانیم را از من گرفت»

پدرم به این ازدواج رضایت نداد. زمانی که به دانشگاه رفتم، روزی از روزها که با خواهر بزرگترم در خانه بودم، مامایم به خانه ما آمد. خواهرم که قبلاً به رفتارهای مامایم مشکوک شده بود. آن روز با دقت بیشتری رفتارهای مامایم را زیرنظر داشت. آن روز هم طبق معمول از من خواست که پیشش بروم ولی خواهرم مانع شد و مامایم اعتراض کرد. خواهرم مثل من خجالتی نبود و ترسی هم از کسی نداشت. او تمام آنچه را که از رفتارهای مامایم فهمید، بیان کرد و از من خواست که حرف‌هایم را تأیید کنم. انگار خواهرم منتظر چنین فرصتی بود ولی من می‌ترسیدم و ساکت بودم اما خواهرم اصرار می‌کرد و به من قوت قلب می‌داد که نباید بترسم و باید حقیقت را بگویم.

بعد از آن تصمیم گرفتم که همه چیز را بگویم، تمام عقده‌هایی را که از آزار و اذیت جنسی توسط مامایم در طول سال‌های عمرم داشتم، در حالی که می‌گریستم، به زبان آوردم. مامایم، کودکی و جوانیم بهترین دوره زندگیم را از من گرفته بود. بعد از آن مامایم دیگر مثل گذشته به خانه ما نمی‌آمد. از ترس اینکه مبادا خواهرم زبان باز کند. من اکنون هم در محیط‌های عمومی از مردان بیگانه می‌ترسم حتی در دانشگاه سعی می‌کنم همیشه کنار دختران باشم، چون در کنار همجنس‌انسانم احساس امنیت می‌کنم

با دستش لباسم را پس می‌زد و تنم را دستمالی می‌کرد، ابتدا معنی این رفتارش را نمی‌فهمیدم چون تا آنوقت هیچ درکی از آزار و اذیت جنسی نداشتم اما کم کم رفت و آمدهای مامایم به خانه ما تبدیل به کابوس و وحشت همیشگیم شد. مامایم زمان‌هایی را انتخاب می‌کرد که پدرم در خانه نبود و گاهی مادرم هم نبود. اگر هم مادرم در خانه بود، چندان نگرانی از حضور مادرم نداشت.

من تلاش می‌کردم وقتی که او در خانه است، در اتاقی دیگر سرم را به کار دیگری مشغول کنم اما مامایم دست‌بردار نبود، صدایم می‌زد و اگر خودم را به نشنیدن می‌زد، از مادرم می‌خواست که مرا نزد او بفرستد. مادرم بی‌خبر از همه جا فکر می‌کرد که برادرش تنها علاقه خواهرزادگی به من دارد.

بخاطر روحیه خجالتی و ترس بیش از حد از بی‌آبرویی در مقابل رفتارهای مامایم سکوت می‌کردم. گاهی در تنهایی احساس گناه داشتم از اینکه شاید من دختر پاکدامنی نیستم که با من این‌گونه رفتار می‌شود این وضعیت ادامه یافت تا اینکه به دوره بلوغ نوجوانی رسیدم.

دوره مکتب را تمام کرده بودم که مامایم به خواستگاری من آمد تا مرا به عقد پسرش درآورد. وحشت سراپای وجودم را گرفته بود، اگر پدرم به این ازدواج رضایت می‌داد، کابوس تجاوز و تعرض مامایم به بهانه ازدواج با پسرش، تمام زندگیم را تباه می‌کرد اما

زندگی من از روزی تیره و تار شد که مادرم یک روز با خوشحالی به ما گفت که برادرم فردا با زن و فرزندانش به کابل می‌آید. آنوقت کودکی ۱۲ ساله بودم، شنیده بودم که مامایم پنج دختر دارد و فکر می‌کردم که همبازی‌های خوبی پیدا می‌کنم. فردای آن روز مادرم با شور و شوق وصف ناشدنی خانه را آماده پذیرایی از خانواده برادرش کرد. برادری که از او بزرگتر بود. ما هم از خوشحالی مادر خوشحال بودیم.

مامایم و خانواده‌اش چند روزی مهمان ما بودند. در همان روزها متوجه نگاه‌های خیره مامایم شدم نگاهی که نمی‌دانستم معنیش چیست ولی آزارم می‌داد، بعد از آن مامایم هر بار به یک طریقی مرا می‌خواست به خودش نزدیک کند. به مادرم می‌گفت من کابل را ندیده‌ام باید کامله (نام مستعار) همراهم بیاید.

وقتی هم که خانه بود مرا بارها نزدیک خود صدا می‌زد و می‌خواست کنارش یا روی زانوبش بنشینم و بعد با دستانش بدنم را لمس می‌کرد، گاهی هم



قرضه بانکی برای پرداخت طویانه

لطیف آرش

نویسنده و استاد دانشگاه

آه سردی کشید و گفت نه برای عروسی برادرم، هر دوی ما قرضه می‌گیریم، در ادامه گفت که برادرش در روستا با یکی از خویشاوندان نزدیکشان، نامزد شده است.

می‌کند و همچنان پول گزافی که برای نان دادن دو قریه «قریه‌های متعلق به دختر و پسر» به مصرف می‌رسند. در مقابل آن، عروسی‌های مدرن شهری است که عموماً در چنین عروسی‌های خبری از طویانه گزارف نیست، اما در مقابل آن، مصارف کم‌رشدن دیگر از قبیل گرفتن مراسم شیرینی‌خوری، شب حنا «خینه»، شب عروسی، شب سوم «تخت‌جمعی» در تالاهای مجلل، خریدن طلا، لباس‌های رنگارنگ و ...

را فروختیم، ولی باز هم نتوانستیم از پس مصارف عروسی بریبیم، از همین‌رو تصمیم داریم که مبلغ چهارصدهزار افغانی قرضه از بانک بگیریم از این پول سه‌صدهزار افغانی را طویانه می‌دهیم و صدهزار دیگر آن را باید دو راس گوساله، سه راس گوسفند و هشتاد سیر برنج بخریم و به خانواده دختر بدهیم، برادرم سه سال نامزد ماند و پول معاشش را پس‌انداز کرد و برای خانمش طلا و لباس خرید. وقتی وی درباره مصارف گوناگون عروسی برادرش می‌گفت من به فکر قرض‌هایی بودم که قرار است برادرش بعد از عروسی آن را دوباره تادیه کند، از قرضه بانک گرفته تا قروض شخصی که از دوستان گرفته است.

در افغانستان معمولاً دوگونه‌ای از عروسی مرسوم است، نخست عروسی سنتی روستایی که پول هنگفت را خانواده دختر به عنوان طویانه از خانواده پسر طلب

شوند.

محوطه بانک ملی برخلاف سایر روزها کمی شلوغ بود. من هم مثل سایر مراجعین کارت بانکم را در نوبت گذاشتم، در میان انبوهی از مردم، چشمم به یکی از ماموران دولتی افتاد که با وی از گذشته‌آشنایی داشتم، نزدش رفتم و بعد از سلام علیکی پرسیدم که اینجا چی می‌کند؟

وی برایم گفت که بخاطر پرداخت طویانه، برادرش می‌خواهد از بانک قرضه بگیرد، با شوخی گفتم که برای خرید موتر قرضه می‌گیرد، آه سردی کشید و گفت نه برای عروسی برادرم، هر دوی ما قرضه می‌گیریم، در ادامه گفت که برادرش در روستا با یکی از خویشاوندان نزدیکشان، نامزد شده است. وی در ادامه گفت که اکثر خانواده‌های دختر در روستای ما بین سه الی پنج‌صد هزار افغانی طویانه می‌گیرند، یک باغ داشتیم که به صدهزار افغانی آن

ساعت دوازده و نیم ظهر بود که پیامگیر موبایلم به صدا درآمد، پیام کوتاه از کابل بود که واریز معاش را برایم مژده می‌داد، به این خاطر از واژه مژده استفاده کردم که واریز معاش برای ماموران دون‌پایه مژده است، ماموران پایین‌رتبه به سختی معاششان کفاف مصارف یک ماه را تا واریز معاش بعدی می‌دهد بطوری که معاش یک ماه یک کارمند تا نیمه ماه مصرف می‌شود و مامور مجبور است برای تأمین مایحتاج زندگی از دوستان و همکاران بلندرتبه‌شان قرض کنند، با عجله دفتر را ترک کردم و خودم را به نزدیکترین نمایندگی کابل‌بانک رسانیدم، قبل از رسیدن من چندین مامور دیگر نیز آنجا بودند، وقتی معاشم را گرفتم تصمیم گرفتم بدون اتلاف وقت بروم به کوته سنگی و پول قرضه‌ام را درحساب بانک ملی واریز کنم، اگر امروز این کار را نکنم ممکن است فردا پول مذکور در خرید مایحتاج خانه خرج

زندگی خصوصی و عمومی معماری تفکیک جنسیتی



طارق سعیدی

قسمت اول

● **پیدایش زندگی خصوصی و عمومی**
 ● پدیده‌ی خانواده و بالطبع آن زندگی خصوصی و عمومی امر ازلی و ابدی نبوده و در طول تاریخ بر اثر رشد نیروهای مولد جامعه و آگاهی مردان از نقش‌شان در امر بیولوژیکی تولید فرزند به‌وجود آمده است.

«زندگی خصوصی یا خانواده بسط قلمروی لحظه‌ی غصب پذیرانه است، و زندگی عمومی یا اقتصاد تولیدی و سیاست طبقاتی بسط قلمروی همکاری میان مردان. در خانواده غصب پدرانه‌ی فرزندان در آن واحد هم به معنای غصب بدن و نیروی کار تولید مثل زن است و هم به معنای غصب نیروی کار تولید خانگی‌اش (یعنی کار خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری که به منظور بزرگ کردن کودکان و بازتولید روزانه‌ی انرژی انسانی مصرف شده انجام می‌گیرد)». (آزاده آزاد، پدریت غاصب: ۹۹)

این تقسیم در اواخر دوره‌ی نوسنگی اتفاق افتاد و تا حال نیز ادامه دارد. به باور سیامک ستوده، در جامعه‌ی فئودالی خانواده واحد تولید بوده و به همین دلیل نیز هنجارها، عرف‌ها و سنت‌های فرهنگی در تلاش حفظ خانواده است. این مساله تا آن‌جا ادامه دارد که مرد و زن مشروعیت اجتماعی خود را در حوزه‌ی عمومی از این نهاد به دست می‌آورند. به طور مثال در اکثر شهرهای افغانستان به زن مجرد و مرد مجرد خانه به گریاه و گروهی داده نمی‌شود.

این مساله بر معماری نیز تأثیر گذاشته و تا ظریف‌ترین حد معماری تفکیک جنسیتی در زندگی خصوصی و عمومی ادامه پیدا می‌کند. تخم به عنوان نماد اسپرم مرد از زمین به عنوان نماد برآوری زن ارزشی بیشتری در نظام نشانگان فرهنگی پیدا کرده و در ادیان مردانه آلت تناسلی مرد مورد پرستش قرار می‌گیرد. به طور نمونه «ستون نذری رومی که به شکل احلیل [آلت تناسلی مردانه] بوده و از نوشته‌ها و علامت‌های جادویی پوشیده شده، یادآور مساله‌های (ستون‌های عظیم و مرتفع تراشیده از سنگ به شکل سوزن)، ستون کلیساها، مناره مساجد و به طور کلی ستون‌ها و پایه‌هایی است که اهمیتی به سزا در معماری مذهبی (و آثار یادبود رسمی) دارند». (آزاده آزاد، پدریت غاصب: ۱۱۳)

معماری تفکیک جنسیتی در حوزه‌ی خصوصی و عمومی از معماری شکلی تا معماری فضایی و مکانی ادامه داشته و در تمام این حوزه‌ها تن زن مورد هدف قرار می‌گیرد، تا به انقیاد درآمده و مالکیت مردانه بر آن حفظ شود. انقیاد تن زن در خانواده در دو زمینه‌ی تولید مادی و تولید نسل وجود دارد. تولید مادی که به حفظ و بقای خانواده کمک می‌کند، بیشتر به تولید اشیایی می‌پردازد که در خانواده ارزش مصرف دارد و تولید نسل باعث بقای خانواده می‌گردد و آن‌جا که اسپرم مرد در زمان سکس از مرد جدا شده، مرد در گذشته هیچ‌گونه راهی جز به انقیاد کشاندن تن زن نداشته است تا پدری خود را بر فرزند زن ثابت کند و از این طریق پدرهای بالقوه‌ای که امکان داشت، جای او را بگیرند از صحنه خارج کنند. به همین دلیل معماری جنسیتی در زندگی عمومی ادامه دهنده‌ی زندگی خصوصی یعنی به

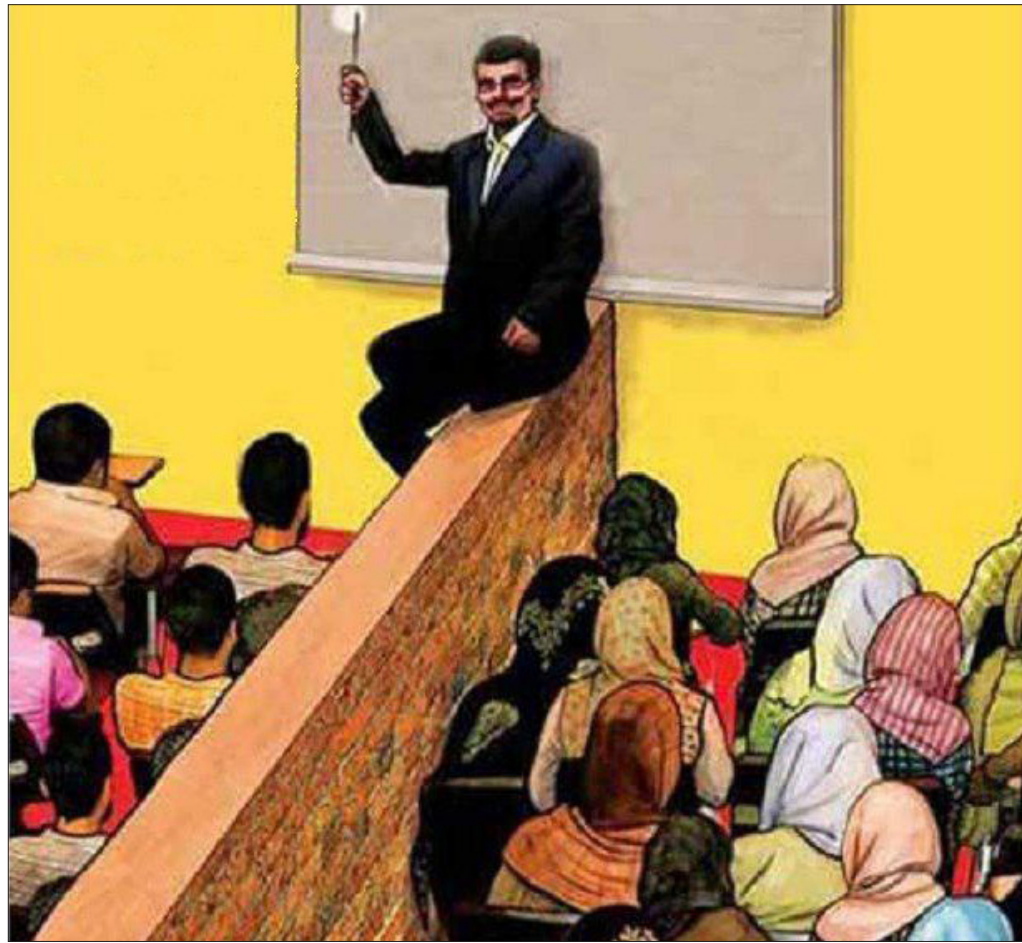
معماری تفکیک جنسیتی در حوزه‌ی خصوصی و عمومی از معماری شکلی تا معماری فضایی و مکانی ادامه داشته و در تمام این حوزه‌ها تن زن مورد هدف قرار می‌گیرد، تا به انقیاد درآمده و مالکیت مردانه بر آن حفظ شود. انقیاد تن زن در خانواده در دو زمینه‌ی تولید مادی و تولید نسل وجود دارد.

انقیاد کشاندن تن زن است. تفکیک جنسیتی در مکان‌های عمومی مانند کتابخانه‌های عامه، رستوران‌ها، مراکز لینکلن (Lincoln learning Center) ادامه‌ی همان تفکیک جنسیتی در زندگی خصوصی (یعنی خانه و خانواده) است. زنانی که در خانه

افغانستان، راحتی زنان را بهانه می‌کند، اما در پشت آن مالکیت مرد بر تن زن است که عامل به‌وجود آمدن معماری تفکیک جنسیتی شده است. معماری تفکیک جنسیتی تنها زنان را به انقیاد نمی‌کشاند، بل جایگاهی پست‌تر از مردان نیز برایشان ترسیم می‌کند.

به طور نمونه در کتابخانه‌ی عامه‌ی هرات، اگر پشت به در ورودی این مکان ایستاده شویم، در سمت چپ جایگاه زنان است در میان قفسه‌های کتاب (یا در روبه‌رو) و در سمت راست جایگاه مردان. بر همه واضح است که چپ در نشانگان فرهنگی ما از جایگاه پست‌تری نسبت به راست برخوردار است که در نوشته‌های بعدی به آن بیشتر خواهیم پرداخت. یعنی این معماری تفکیک جنسیتی فضایی در کنار آن که مالکیت مرد بر زن را در حوزه‌ی عمومی به بهانه‌ی راحتی زنان تثبیت می‌کند، به زنان جایگاه پست‌تری براساس نظام نشانگان فرهنگی اعطا می‌کند.

در یادداشت‌های بعدی به طور نمونه به خانه، کتابخانه‌ی عمومی، رستوران‌ها و مرکز آموزشی لنکن خواهیم



و خانواده تن و روان‌شان به انقیاد کشانده شده است، در زندگی عمومی نیز متأثر از این وضعیت هستند. حتی زنان شاغل نیز در زندگی عمومی گرفتار این تفکیک جنسیتی هستند و از طرف دیگر از مردان به دلیل کارخانگی ساعات بیشتری به کار مشغول می‌باشند. در مکان‌های عمومی، معماری تفکیک جنسیتی زنان را به انقیاد کشانده شده و نگاهی فرودست به آن‌ها دارد.

گرچه برای این تفکیک جنسیتی، فرهنگ پدرسالارانه‌ی

بزودی عادت ماهیانه می‌شوم و...

خاطرات یک دختر جوان

قسمت پنجم

خونخوارترین فاشیست روی زمین است.

● قربانت آن. پنج شنبه ۲۹ اکتبر ۱۹۴۲

● **کیتی عزیزم**

از نگرانی دارم دیوانه می‌شوم، پدرم مریض است. به شدت تب دارد و روی پوستش لکه‌های قرمز زده است. گویی سرخک گرفته. تصورش را بکن که حتی نمی‌توانیم پزشک خبر کنیم. مادرم سعی می‌کند، کاری کند تا پدرم عرق کند و به این ترتیب تبش پایین بیاید. امروز صبح میب برایمان تعریف کرد که اثاثیه آپارتمان خانواده فان دان واقع در زوییدر امستلان را برده‌اند. ما هنوز این خبر را به خانم فان دان نداده‌ایم، چون در حال حاضر به شدت عصبی است و ما هم حوصله شنیدن روضه‌خوانی او درباره ظروف چینی و صندلی‌های قشنگی که در خانه گذاشته را نداریم.

ما هم مجبور شدیم تمام اجناس زیبایمان را رها کنیم و بیاییم. گریه و زاری چه فایده؟ پدرم می‌خواهد مرا به خواندن کتاب‌های هیل و سایر نویسندگان معروف

آلمانی تشویق کند. الان تقریباً می‌توانم راحت به زبان آلمانی کتاب بخوانم، زمزمه می‌کنم. ولی خوب مهم نیست. پدرم از قفسه کتاب، نمایشنامه‌های گوته و شیلر را بیرون آورد و می‌خواهد قسمت‌هایی از آن‌ها را هر شب برایمان بخواند.

در تقلید از کار پدرم، مادرم هم یک کتاب دعا به من داد. برای رعایت ادب چند دعا به زبان آلمانی خواندم، آنها زیبا هستند ولی چندان خوشم نمی‌آید. چرا می‌خواهد من خودم را پرهیزگار و متدین نشان دهم؟ فردا قرار است بخاری را برای اولین بار روشن کنیم. از آنجا که مدت‌هاست دودکش تمیز نشده، بی‌شک همه جا را دود خواهد گرفت. باید دعا کنیم که این بخاری خوب کار کند.

یادم رفت به تو چند خبر مهم بدهم. در آینده نزدیک عادت ماهیانه خواهیم شد. از آنجا متوجه شدم که مرتب در شورتم



مطالبه دستمزد خانه‌داری، اعتراض‌ها علیه زن شکارچی



جمیله احمدی

گزارشگر

● اخیراً در شبکه‌های اجتماعی چین بحث‌هایی درباره ارزش کار خانگی زنان مطرح شده است. این ماجرا بعد از صدور حکم یک دادگاه به سوژه داغ رسانه‌ها تبدیل شد که یک مرد چینی‌ای را موظف به پرداخت دستمزد ۵ سال کار خانه‌داری همسرش کرد. این مرد که وانگ نام دارد سال گذشته درخواست طلاق داده بود.

● یازدهمین دور مسابقات تکواندوی بانوان تحت شعار صلح برای همه با اشتراک ۲۰۰ ورزشکار دختر در گروه‌های وزنی مختلف در کابل برگزار شد. هدف از برگزاری این مسابقات انتخاب چهره‌های برتر برای عضویت در تیم منتخب کابل است. این مسابقات با قهرمانی تیم ابریشم درخشان به پایان رسید.

● وزارت دفاع عربستان سعودی اعلام کرده‌است که زنان می‌توانند برای استخدام در نیروی مسلح پادشاهی درخواست بدهند. به نقل قولی از وزارت دفاع عربستان حالا زنان در درجه‌های مختلف نیروی مسلح، اردو، نیروی هوایی، نیروی دریایی و خدمات صحنی نظامی فعالیت کنند.

● زخمی شدن یک زن در حمله برکی شهر کابل همه افغان‌ها را تکان داد. تعدادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی با نشر هشتم مادر بلند شو! کمپاین را راه انداختن و بی‌زاری خود را از جنگ کنونی در کشور اعلام کردند.

● چهار کارمند زن یک نهاد خیریه در پاکستان کشته شدند. پولیس پاکستان در این مورد گفته‌است که افراد مسلح با شلیک گلوله این چهار امدادرسان زن را در وزیرستان شمالی کشتند. این رویداد در منطقه سرحدی که قبلاً مخفیگاه القاعده و دیگر گروه‌های شورشی بود رخ داده‌است.

● کمپانی برای مسدود کردن صفحه فیسبوک یکی از زنان شکارچی حیوانات در شبکه‌های اجتماعی امریکا و اروپا راه‌اندازی شده است. «وان در مروه» زن سی و دو ساله اخیراً با انتشار زرافه مرده، تصویر آخرین شکار خود را در صفحه فیسبوکش هم‌رسانی کرد. او در یکی از عکس‌ها در حالیکه قلب زرافه پیر را در دست گرفته بود، گفت که این قلب را به شوهرش بخاطر روز ولنتاین هدیه می‌کند. گفته می‌شود که وی از ۵ سالگی علاقه زیادی برای کشتن حیوانات داشت و تاکنون پانصد حیوان را کشته است.

لکه‌های سفیدرنگی پیدا می‌کنم و مادرم می‌گوید علامت این است که به زودی عادت می‌شوم. خیلی بی‌صبرم و برایم تحول بزرگی است. افسوس که نمی‌توانم نوار بهداشتی بگذارم، چرا که دیگر نایاب شده و نوارهای مادرم هم فقط برای زنانی است که یک شکم زاییده‌اند.

● قربانت آن. دوشنبه ۲ نوامبر ۱۹۴۲

رنگ از چهره‌مان پرید برای اینکه فکر کردیم شاید صدایی شنیده و می‌خواهد سر و گوشی به آب دهد. او همچنان دستش را به در می‌کوبید و هل می‌داد و می‌کشید و تکان می‌داد. من تقریباً داشتم از ترس غش می‌کردم برای اینکه می‌ترسیدم، این مرد ناشناس مخفیگاه ما را لو دهد و همه چیز را خراب کند.



● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: فاطمه روشنیان

● سردبیر و ویراستار: مریم شاهی / گزارشگران: حسین احمدی، لطیفه موسوی و جمیله احمدی

● عکاس: حمیده مهردل / ترجمه: حافذ عظیم‌یار / صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی

● چاپ: مطبعه آسیا / توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

مسابقه انسان‌کشی در افغانستان؛

زنان و کودکان، ۴۳ درصد قربانیان

خشونت است، کاهش بدهد؛ بلکه میزان خشونت‌ها با آغاز مذاکرات سیاسی در قطر افزایش یافته و عواقب نگران‌کننده‌ای نیز در پی دارد. یوناما ابراز نگرانی کرده که مذاکرات صلح به جای آنکه زمینه‌ساز کاهش خشونت شود، باعث افزایش کشتار



حسین احمدی
گزارشگر



دستر هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) گزارش داده است که تلفات افراد ملکی پس از آغاز مذاکرات صلح افزایش یافته است. براساس گزارشی که یوناما روز سه‌شنبه، پنجم حوت ۱۳۹۹ خورشیدی منتشر کرد در سال ۲۰۲۰ میلادی نزدیک به ۹ هزار فرد ملکی در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند.

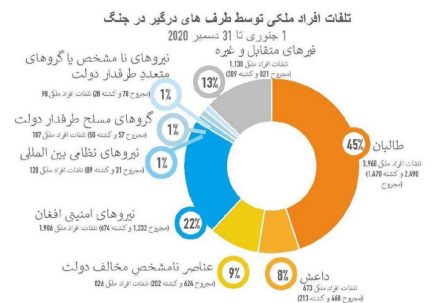
زنان و کودکان
براساس گزارش یوناما به صورت کل، تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۲۰ میلادی به ۸۸۲۰ تن می‌رسد که از این جمله ۳۰۳۵ نفر کشته شده و ۵۷۸۵ نفر زخمی شده‌اند.

زنان و کودکان ۴۳ درصد کل قربانیان را تشکیل می‌دهند. ۱۱۵۰ زن و کودک کشته شده و ۲۱۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

یوناما گفته است ۱۱۴۶ زن شامل ۳۹۰ کشته و ۷۵۶ زخمی، در جمع قربانیان قرار دارند که ۱۳ درصد کل تلفات ملکی در کشور طی یک سال گذشته را تشکیل می‌دهند.

براساس گزارش ملل متحد، ۲۶۱۹ کودک در جمع قربانیان قرار دارند که شامل ۷۶۰ کشته و ۱۱۵۹ زخمی می‌شود. در سال ۲۰۲۰ میلادی ۳۰ درصد تلفات ملکی را کودکان تشکیل می‌دهند.

سیاست در قطر، جنگ در افغانستان
گفت‌وگوهای صلح میان هیأت‌های مذاکره کننده دولت و گروه طالبان با تشریک مساعی بین‌المللی به تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ در قطر آغاز شد. این گفت‌وگوها پس از یک‌ونیم دهه تلاش‌های سیاسی دولت و جامعه جهانی آغاز شده است. پس از توافق نامه صلح که میان آمریکا و گروه طالبان مبنی بر کاهش خشونت و خروج نیروهای ناتو از افغانستان امضا شده بود، انتظار می‌رفت جنگ در کشور کاهش یابد. اما یوناما گزارش جدید ملل متحد نشان می‌دهد که نه تنها این توافق نامه و مذاکرات صلح نتوانسته است از میزان آسیب به افراد ملکی که شاخص اصلی میزان



زنان در مسیر تاریخ

کس حسین رهیاب بلخی

مسأله حجاب در مصر

قسمت سی و دوم

در مقاله‌ای کوتاه در مورد نقش پدرسالاری و بحث بر سر پوشش سر زنان در مصر معاصر، ایمن خلیفه نظر منفی خود را نسبت به گروه اصول‌گرایان اسلامی ارائه می‌دهد. خلیفه بیان می‌دارد که به دلایل سیاسی و اقتصادی گوناگون ساختارهای روستایی پدرسالاری کلاسیک در شهرهای مصر رواج ندارند، اما «پدینما» ها و «دیکتاتورهای خیرخواه» در ساختارهای قدرت در جهان عرب هنوز مورد احترام قرار دارند.

این سنت که «داستن رهبر غیرمنتصف برای شش سال بهتر از بی‌رهبری است» هنوز در طرز برخورد و نگرش خاص بسیاری از اعراب دیده می‌شود. پدرسالاری اقدامات بی‌شماری را با هدف کنترل زنان در بردارد. دلایل مذهبی یا فرهنگی برای قید و بندهای اخلاقی (در ازدواج و حجاب زن، جدایی بین زنان و مردان، محرومیت از استقلال و ابزارهای اقتصادی (حقوق) ارث و کنار گذاشته شدن از نیروی کار) ذکر می‌شوند. خلیفه بیان می‌دارد که پدیده حجاب (که در عنوان حاضر به طور روزافزونی در مصر گسترده می‌شود) پس‌روی اجتماعی و سیاسی نهضت طرفداران آزادی زنان مصری می‌باشد.

آمار دقیقی در مورد شمار زنانی که حجاب را در شهرهای مصر برای خود برگزیده‌اند، وجود ندارد. بسیاری از پژوهشگران کوشیده‌اند تا علل پیدایش مجدد حجاب زنان را در دهه ۱۹۹۰ بیابند. یکی

از نظریه‌های رایج این است که جنبش‌های احيای اسلامی و تاثیر جدی فعالیت‌های آنان بر جامعه سبب افزایش زنان باحجاب می‌باشد. نظریه دیگر این است که در بازگشت به وطن، کارگران مصری که در کشورهای عرب نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس کار می‌کردند، این پدیده را وارد مصر کرده‌اند. در نظریه سوم، از علل اقتصادی سخن به میان آمده است. شرایط اقتصادی - اجتماعی رو به وخامت گذاشته و خانواده‌ها قدرت خرید لباس پوشیدن ندارند. در نتیجه، محبوبیت طرز لباس پوشیدن اسلامی که کم هزینه‌تر و ساده‌تر است، رو به افزایش است. نظریه چهارمی هم وجود دارد که فرضیه اصلی آن این است: زنان با انگیزه‌های آزادی‌خواهی مختلف اقدام به برگزیدن داوطلبانه پوشش اسلامی کرده‌اند. در مورد این فرضیه آخری، خلیفه ادعا می‌کند که تضاد بین آزادی‌خواهی و ماهیت ستمگرانه حجاب (به عنوان پدیده‌ای که بر اثر عدم اعتماد به زنان به وجود آمده) دیده می‌شود. وی معتقد است که در جوامع پدرسالاری اتفاق نظر اجتماعی وجود دارد که وضعیت بیولوژیک و عقلانی زنان را در مقایسه با مردان، پست‌تر تصور می‌کند.

نیروهای خارجی عامل یک درصد تلفات ملکی است؛ ۸۹ نفر را کشته و ۳۱ نفر را زخمی نموده‌اند. داعش عامل ۸ درصد تلفات ملکی است؛ ۲۱۳ نفر را کشته و ۴۶۰ نفر را زخمی نموده‌اند. ۲۰۵۰ نفر دیگر از سوی نیروهای مسلح طرفدار دولت کشته و زخمی شده که ۲ درصد کل تلفات ملکی را تشکیل می‌دهد.

۱۳ درصد دیگر که شامل ۳۰۹ کشته و ۸۲۱ زخمی می‌شود در جریان درگیری میان جنگجویان طالبان و دولت و نیروهای خارجی قربانی شده‌اند. از جمله نزدیک به ۹ هزار فرد ملکی طی یک سال گذشته، ۳۶ درصد در اثر جنگ‌های زمینی، ۲۶ درصد در اثر انفجار موادهای انفجاری تعبیه شده، ۸٫۵ درصد در حمله‌های انتحاری، ۱۴ درصد در ترورهای هدفمند، ۸ درصد در اثر حمله‌های هوایی، ۶٫۵ درصد توسط موادهای انفجاری باقی‌مانده از جنگ و ۳ درصد دیگر در اثر رویدادهای دیگر کشته و زخمی شده‌اند. نزدیک به سه هزار تن آنان در ربع اخیر سال و پس از آغاز مذاکرات صلح قربانی شده‌اند.

دیپرا لاینز، نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان در واکنش به افزایش تلفات ملکی پس از آغاز مذاکرات صلح گفته است که «سال ۲۰۲۰ می‌توانست سال صلح در افغانستان باشد. در عوض، هزاران فرد ملکی افغانستان به دلیل درگیری‌ها از بین رفته است.»

خانم لاینز افزوده است که طرف‌های درگیری باید برای جلوگیری از آسیب رساندن به افراد ملکی گام‌های عملی و مشخصی بردارند که بهترین گزینه برقراری آتش‌بس است.

رییس یوناما هم‌چنان گفته است که با این رویه کشتن افراد ملکی در افغانستان، عواقب ویرانگری در پی خواهد داشت: «تعداد روزافزون زنان، مردان، پسران و دخترانی را که درگیری‌ها متاثر شده‌اند باید به خاطر داشت. آنها عزیزان خود را از دست داده، زخم برداشته، مجبور به ترک خانه‌های خود شده و با مشکلات اقتصادی و اجتماعی مواجه شده‌اند. در بسیاری از موارد آنها احساس می‌کنند که فراموش شده‌اند. آنها می‌خواهند که غم و اندوه آنها نادیده گرفته نشود، صدای آنها شنیده شود و درگیری‌ها پایان یابد. ۲۰۲۰ سالی بود که مردم به صلح امیدوار بودند، ولی در عرض با خشونت‌های بیشتری روبرو شدند.»

وزارت دفاع در واکنش به نشر این گزارش یوناما از پذیرش مسئولیت ۲۲ درصد کشتار افراد ملکی سر باز زده و خون تمامی قربانیان جنگ در کشور را به عهده طالبان می‌داند. شاه محمود میخایل، معاون اول وزارت دفاع ملی روز سه‌شنبه، پنجم حوت ۱۳۹۹ خورشیدی در برنامه گزارش‌دهی دولت به ملت گفت: گروه طالبان جنگ را آغاز کرده، جنگ را ادامه می‌دهد و آتش‌بس را قبول ندارند و به گروه‌های تروریستی خارجی پناه می‌دهند؛ پس هرگونه قربانی که مردم در این جنگ متحمل می‌شوند، مسئولیت آن به گونه مستقیم به عهده طالبان است.

واقعیت‌های اقتصادی در مناطق شهری مصر در دهه ۱۹۹۰ پدرسالاری کلاسیک را تبدیل به ساختار اجتماعی روبه زوال و پر هزینه‌ای کرده است. به دلیل بالا بودن هزینه‌های مسکن و کمبود فضای زندگی واحدهای فامیلی بندرت از یک خانوار تجاوز می‌کنند. به دلیل چالش‌های اجتماعی - اقتصادی، ورود زنان به نیروی کار دیگر دل‌خواهی نبوده، و در بسیاری از موارد به یک نیاز تبدیل شده است. در رده‌های بالای ساختار طبقاتی مصر، استفاده از حجاب محدودتر است، البته کاملاً غایب نمی‌باشد. به هر حال، این پدیده بیشتر در بین طبقات متوسط و کارگر مصری رایج است.

در بین زنان طبقه مرفه و نیمه مرفه مصری محدودیت‌های حجاب وجود ندارد اما آنها نیز از لحاظ امنیت اقتصادی و قدرت تحت فشار محیط خود قرار دارند. پدیده حجاب حتی در بین زنان در دانشگاه آمریکایی در قاهره (که ادعا شده سمت الراس آزادی است) نیز رو به افزایش است.



زن در قوانین موضوعه افغانستان

حق کار زنان از نظر قوانین موضوعه



معصومه عبداللهی
استاد دانشگاه

کار پدیده‌ی گره خورده با امرار معاش است و کمتر دانشمند عرصه علوم انسانی و اجتماعی را می‌توان یافت که در این مورد ابرازنظر نکرده باشد، از افلاطون و ارسطو گرفته تا کانت و مارکس و اندیشمندان عصرمدرن که این اهمیت کار را در زندگی بشر می‌رساند و لازم نمی‌بینم در این نوشته کوتاه به آن پرداخته شود اما به یک شعر کوتاهی از مولانا که خیلی بصورت کوتاه و موجز به اهمیت کار و امرار معاش پرداخته است و در چارچوب آن می‌توان وضعیت زنان را در کشوری مثل افغانستان می‌توان بصورت مختصر تحلیل کرد.

آدمی اول حریص نان بود
زان قوت نان غذای جان بود
چون به ناگه گشت مستغنی زنان
طالب نام است و مدح شاعران

بنابر تعبیر مولانا انسان‌ها اول از همه در پی نان و امرار معاش هستند و تا زمانی که از این جهت به رفاه و خاطرجمعی نسبی نرسند، نمی‌توانند به فکر

از نان بیاندیشند و بعد از اینکه از پس تامین این نیاز غریزی برآمد در پی ارزش‌هایی چون عدالت و برابری و مساوات و رسیدن به قدرت و شان و منزلت خواهند بود.

زنان در افغانستان و در بسیاری از کشورهای جهان سوم در وضعیت ابتدایی قرار دارند و بر اساس هر دلیلی هنوز حتی در پی امرار معاش نیستند؛ این درحالی است که همواره فعالین حقوق زن، شعار برابری طلبانه با مردان سر می‌دهند؛ راهکار این است که در ابتدا زنان باید به دنبال کار و امرار معاش و یادگیری مهارت‌های شغلی باشند و پس از آن که به استقلال مالی رسیدند، در سایر امور زندگی شخصی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده داشته باشند.

درحال حاضر قوانین در افغانستان از هر جهت زمینه را برای کار زنان هموار ساخته است، از جمله قانون اساسی افغانستان (ماده ۲۲) که هر گونه تبعیض بین اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد را ممنوع می‌داند، همچنین (ماده ۴۸) که تصریح می‌کند کار، حق هر شهروند افغانستان است و هر کس در انتخاب شغل و حرفه خود آزاد می‌باشد، می‌توان چنین برداشت کرد که رویکرد قانون اساسی نسبت به کار و حضور زنان در اجتماع، رویکرد مثبت است.

افغانستان (ماده ۲۲) که هر گونه تبعیض بین اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد را ممنوع می‌داند، همچنین (ماده ۴۸) که تصریح می‌کند کار، حق هر شهروند افغانستان است و هر کس در انتخاب شغل و حرفه خود آزاد می‌باشد، می‌توان چنین برداشت کرد که رویکرد قانون اساسی نسبت به کار و حضور زنان در اجتماع، رویکرد مثبت است.

از طرف دیگر با ملاحظه مواد قانون مدنی (ماده ۱۲۲) و قانون احوال شخصیه (ماده ۱۲۳) چنین برداشت می‌شود که محدودیت قانونی برای اشتغال زنان، موجود نیست و علاوه بر آن امتیازات و معاش آن نیز متعلق به خود زن می‌باشد و کسی حق تصرف در آن را بدون اجازه ندارد. همچنین قانون منع خشونت علیه زنان (ماده ۳۵) نیز در مسئله اشتغال زنان رویکرد مثبت داشته و بیان می‌دارد، شخصی که زن را از این حق قانونی خود محروم کند، به مجازات حبس کوتاه‌مدت تا ۶ ماه محکوم می‌گردد.

بنابراین زنان می‌توانند در صورت وجود ممنوعیت برای اشتغال آنان در محکمه طرح دعوی کرده و خواستار حق قانونی خود گردند.